

## اسب تروا

### بررسی نقش گروهک طبرزدی در درگیریهای کوی دانشگاه

[dariushsajjadi@yahoo.com](mailto:dariushsajjadi@yahoo.com)

آشوبهای شب چهارشنبه بیست خرداد ماه در کوی دانشگاه و خیابانهای اطراف آن ماحصل فتنه مشترک حلقه حقانی و بقایای سلطنت طلبهای مقیم لوس آنجلس بود که با عاملیت حشمت الله طبرزدی عنصر تحت فرمان این دو و سازمان تحت امر وی راه اندازی و عملیاتی شد.

استارت این فتنه از آنجائی زده شد که بعد از صدور بیانیه مورخ چهارم خرداد ماه دفتر تحکیم وحدت در خصوص تحولات عراق که بنا به جوابیه مورخ سیزده خرداد انجمن اسلامی دانشگاه صنعتی شریف به گلایه های اینجانب نسبت به آن بیانیه در مقاله آئینه داران، برخوردار از ابهاماتی بود، دفتر تحکیم مجدداً طی قطعنامه پایانی نشست شورای عمومی خود مورخ نوزده خرداد صراحتاً اقدام به اتخاذ مواضعی شفاف در مقابل ژست های مصنوعی دموکراسی خواهی گروه های سلطنت طلب خارج از کشور و جنایتهای اسرائیل و توسعه طلبی نظامی آمریکا در منطقه کرد و ضمن گرفتن فاصله بهداشتی از این جریانات، مرزبندی شفافی را میان جنبش دانشجویی اصلاح طلب کشور با طایفه داران دروغین آزادیخواهی در خارج از کشور ایجاد کرد.

#### فرازهایی از قطعنامه دفتر تحکیم وحدت

به نظر ما در شرایط کنونی کیان اصلاح طلبی مردم سالار از دو سو به شدت تهدید می گردد:

نخست جریان اقتدار گرای حاکمیت که تنها صدای سرکوب آزادیهای ملی و توطئه چینی برای بریدن هر صدای مخالف از حلقوم آن به گوش می رسد و دیگری جریان سلطه طلب جهانی است که با محوریت جرج بوش و نومحافظه کاران حاکم بر کاخ سفید لگام گسیخته و بدون پایبندی به هیچ قانون بین المللی در اندیشه تصاحب ایران عزیز می باشند. تایید و تقویت جریانهایی ارتجاعی سلطنت طلب که نه در فرهنگ و ادبیات آنان نشانه ای از اعتقاد به دموکراسی و حقوق بشر دیده می شود و نه در کارنامه آنان چیزی جز سرکوب و شکنجه و اعدام مبارزان راه آزادی و استقلال برای ارانه وجود دارد از سوی نومحافظه کاران دلیل قاطعی است بر احساس خطر جدی نیروهای ملی و آزادی خواه از برنامه های آتی امریکابرای منطقه و بویژه ایران.

حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور، دفاع از هویت، تاریخ و تمدن چند هزار ساله ایرانی و قائل بودن به حق ایران برای تقویت بنیه دفاعی خویش در مقابل دشمنان سراپا مسلحی مانند اسرائیل که مجهز به سلاحهای پیشرفته کشتار جمعی و اتمی نیز می باشند. وجه اشتراک تمامی جریانهایی وطن دوست و تک تگ جوانان برومند این مرزوبوم است و در صورتی که حکومت بتواند اعتماد نسبی ملت را به همراه داشته باشد نه تنها اکثریت مردم حاضرند قصور های گذشته را نادیده بگیرند بلکه همه پشت سر حاکمیت از استقلال و تمامیت ارضی کشور در مقابل مخاطرات خارجی دفاع خواهند کرد.

متعاقب این تنزه طلبی حادثه دفتر تحکیم بود که دشمنان جنبش اصلاح طلبی ایران دورخیز خود برای بهره برداری از سالگرد حادثه ۱۸ تیر کوی دانشگاه را به سرعت با سراسیمگی به جلو انداختند.

حلقه حقانی طی دهه گذشته نشان داده در عملکردهای سیاسی خود هم سونوی آشکاری با دسانس تل آویو داشته.

هدف نهایی حقانی آشوبزدگی فضای کشور بمنظور موجه شدن سیاستهای انقباضی و برخورد خشونت آمیز نظامی جهت سرکوب جنبش اصلاحات بوده تا از دل چنین فضائی، اکوسیستم مناسب حیات و تداوم قدرت خود را در هرم قدرت سیاسی ایران بازتولید نماید.

متعاقباً برای تل آویو نیز ترسیم و تحفظ چهره ای خشن و ماجراجو از ایران، آرمانی استراتژیک محسوب می شود. اسرائیل می کوشد با تشبیه به چنین شمائی از ایران ادله مکفی برای اقناع افکار بین الملل بمنظور تهاجم انتباهی به جمهوری اسلامی را احصاء نماید.

دولتمردان تل آویو از آغاز پیروزی انقلاب اسلامی کینه تهران را به دل گرفته اند.

از نظر اسرائیل بزرگترین جرم ایران آن بوده و هست که در موقعیتی که تل آویو موفق شده بود بعد از پشت سر گذاشتن ظفرمندان چهار جنگ با اعرابه منکی بر ناسیونالیست عرب این تفکر را در کمپ دیوید بزانو درآورد با بروز انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی ایران توانست بشکلی کاملاً غیر مترقبه مدل اندیشه انقلاب اسلامی خود را به سرعت جایگزین و مغذی مبارزات رهائی طلبانه مبارزین فلسطینی کند.

نهضتی که چنانچه توفیق آنرا بیابد تا خود را در قالب یک الگوی حکومتی موفق و دموکراتیک در ایران تثبیت نماید بالذات و بالقوه از این ظرفیت برخوردار خواهد بود تا دموکراسی مذهبی سلطه ستیزانه مدل ایران را در منطقه اپیدمی کند.

بدنبال موفقیت چشمگیر خاتمی در انتخابات ریاست جمهوری ایران حلقه حقانی - تل آویو با دو هدف مختلف به یک نتیجه مشترک رسیدند: **شکست جنبش دموکراتیک و اصلاح طلب ایران**. (تفصیل این همسویی پیشتر در مقاله بیچک انحراف آمده)

درگیری های اخیر کوی دانشگاه تهران را می توان در همین چارچوب و بعنوان یکی از آخرین نمونه های دسانس مشترک حلقه حقانی - تل آویو علیه جنبش اصلاح طلب ایران ارزیابی کرد.

پیش از این شاخه تل آویو زیرکانه موفق شد در حوزه سیاست خارجی با دامن زدن به اتهام مشارکت داشتن ایران در عملیات تروریستی ماه جاری در عربستان مذاکرات تهران و واشنگتن در ژنو به شکست کشانده و ضمن ربایش توپ بازی از زمین جناح و افکار و واشنگتن آنرا در زمین جناح جنگ طلب این کشور قرار دهد.

(تفصیل این ترغیب نیز پیشتر در مقاله **بلدرچین و برزگر** آمده)

شاخه حقانی نیز در فاز داخلی می کوشد با استفاده از نیروهای نفوذی و تحت امر خود در بدنه جنبش دانشجویی با دامن زدن به درگیریهای خشونت آمیز، فضائی آرماتی جهت توجیه اعمال خشونت و حضور مسلط نظامی خود بمنظور جمع کردن بساط اصلاح طلبی را مهیا نماید.

در درگیریهای شب چهارشنبه در کوی دانشگاه و خیابانهای اطراف بنا بر اطلاعات ارسالیه خبرنگاران حاضر در صحنه که تا ساعت ۳ بامداد همان شب با ایشان در ارتباط مستمر بودم صحنه گردان اصلی اغتشاشات در جبهه دانشجویان عوامل سازماندهی شده گروه تحت امر حشمت الله طبرزدی (جبهه دمکراتیک ایران) بود.

بنا بر همین اطلاعات در بدو امر مطالبات دانشجویان کوی صرفاً محدود به اعتراض به پولی شدن دانشگاه ها بود اما ناگهان و با حضور نیروهای سازماندهی شده طبرزدی شعارهای دانشجویان رنگ و بوی سیاسی پیدا کرد و تدریجاً کار به زد و خورد بین ایشان و جناح مخالف کشیده می شود.

حشمت الله طبرزدی چهره ای مشکوک در میان دانشجویان و بدنه جنبش اصلاح طلبی است که علی رغم مواضع بشدت رادیکال و ساختار شکنانه اش با خاصه خرجی قوه قضائیه! بتناوب در حد فاصل زندان و خارج از زندان در تردد بوده است!

پیشینه وی به دوران ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی باز می گردد. در آنزمان جناح حقانی که فاقد پایگاه در بدنه قشر دانشگاهی کشور بود توانست با استفاده از طبرزدی و سازمان تحت امر وی و برخوردار کردنش از یک نشریه جنجالی و هوچگر در محافل دانشگاهی خود را صاحب تریبون و نفوذ در دانشگاهها کرده و مشارالیه را همچون اسب تروانی به بدنه جنبش دانشجویی کشور پمپ نماید.

با نزدیک شدن انتخابات مجلس پنجم طبرزدی کوشید تا با تعزیه گردانی جسورانه ای علیه هاشمی رفسنجانی و گروه جدید التاسیس کارگزاران سازندگی در قالب مقالات جنجالی و تظاهرات اعتراض آمیز علیه کرباسچی و دیگر چهره های سرشناس کارگزاران فضای مناسبی را در اختیار جناح حقانی بمنظور خیز برداشتن جهت تصاحب کرسی های مجلس و پس از آن تصاحب کرسی ریاست جمهوری بردارد.

ظاهر قضیه انتساب طبرزدی و گروه تحت امرش به جنبش دانشجویی بود اما در لایه های پنهان وی کوشیده و می کوشد با اتخاذ مواضع اولترا اصلاح طلبانه ضمن بهره وری از امتیاز بازداشتهای فرمایشی با سیاست نعل وارونه از سونی برای خود و سازمان تحت امرش چهره ای مظلوم و موجه نزد افشار دانشگاهی خلق نماید و از جانب دیگر و در خفا فرصتهای عملیاتی کردن سیاستهای خشن شاخه حقانی را تمهید نماید.

وی در تعقیب پروژه های محول شده اش توفیق آنرا داشته تا با توسل به چهره سازی قهرمانانه از خودش نزد گروه های سلطنت طلب خارج از کشور از بلاهت ژنتیکی سلطنت طلبها برفع خود بهره برداری کرده و از کیسه ایشان برفع تداوم پروژه های خود و جناح حقانی ارتزاق نماید.

در همین راستا ایشان از دو ماه پیش با تکیه بر تریبونهای سلطنت طلبان در لوس آنجلس خود را مهیای ایجاد شهر آشوبی در سالگرد حمله به کوی دانشگاه می کرد و ظاهراً آش چربی را برای این روز در نظر گرفته بودند.

اما چند عامل باعث شد تا پروژه ایشان خارج از نوبت در دستور کار قرار گیرد.

مصاحبه رئیس جمهور خاتمی در خصوص رد لوایح دو گانه توسط شورای نگهبان و تاکید وی در این مصاحبه بر این نکته که **شورای نگهبان حتی بر خلاف نظر آیت الله خامنه ای** با این لوایح برخورد کرد مؤید این نکته بود که خاتمی با برخورداری از حمایت آیت الله خامنه ای در تعقیب تصویب لوایح خود است.

اما اینکه وی برخلاف مشی خود ترجیح داد اینبار و زیرکانه حمایت رهبری از خود را نیز به اطلاع افکار عمومی برساند مبین آن بود که خاتمی در لابی های پشت پرده توانسته با برخوردار شدن از حمایت کانونهای اصلی قدرت ضریب اعتماد بنفس خود در عرصه سیاسی را افزایش دهد.

توصیه شورای عالی امنیت ملی کشور به ریاست خاتمی مبنی بر عدم انعکاس مطبوعاتی نامه ۱۲۷ نماینده مجلس به رهبری نیز مؤید آن بود که خاتمی تشخیص داده با اتکال بر حمایت آیت الله خامنه ای می تواند ضمن پرهیز از غوغا سالاری رسانه ای امکان متقاعد کردن شورای نگهبان برای تصویب لوایح دو گانه اش را فراهم کند.

خبرهایی هم که از گوشه و کنار مبنی بر متقاعد شدن شورای نگهبان می رسید مؤید آن بود امیدها به تصویب لوایح افزایش یافته است.

خصوصاً موضع صریح و تحکمی و برخوردار از اعتماد بنفس رئیس جمهور خاتمی در سفر به خراسان مبنی بر برخورد سازمانهای مسنول با گروه های فشار و آشوب طلبی که بعد از ارسال نامه نمایندگان به رهبری موجبات مزاحمت را برای نمایندگان مجلس فراهم آورده بودند نشان از آن می داد خاتمی توانسته معادلات قدرت در پشت پرده سیاست را برفع خود تغییر دهد.

قهرماً چنانچه اتفاق خاصی نمی افتاد فضای سیاسی ایران از نظر روانی مهیای انزوا و انزغال گروه های فشار شده بود.

طبعاً در چنین فضائی متضرر اصلی همان گروه هائی بودند که با توسل به هل من مبارز طلبی های جناح جنگ طلب کاخ سفید از امکان جنگی کردن جو سیاسی بمنظور تداوم زیست نامشروع سیاسی خود در ایران برخوردار می شدند. خوشبینی های بوجود آمده بر سر امکان تصویب لوایح دو گانه رئیس جمهور خاتمی به سهم خود آنقدر ظرفیت و استعداد داشت تا جناح حقانی را ترغیب به شیطنتی جدید کند، لذا پیش بینی می شد این جناح سرمایه گذاری هنگفتی را روی سالگرد مراسم ۱۸ تیر بعمل آورد.

دورخیزی که گروه تحت امر طبرزندی بر روی مراسم سالگرد ۱۸ تیر کرده بود هشدارهای نگران کننده ای را به محافل سیاسی ایران می داد.

لیکن بیانیته هوشمندانه نوزدهم خرداد دفتر تحکیم وحدت و رویگردانی قابل انتظار و تحسین این تشکل دانشجویی از سلطه طلبیهای آمریکا و جریانهای سلطنت طلب و اسرائیل منجر به آن شد تا گروهک طبرزندی هم از جانب تامین کنندگان مالی اش در لوس آنجلس و هم از جانب منعقدین نطفه اش در کانون حقانی تحت فشار بمنظور خارج از نوبت عمل کردن پروژه ۱۸ تیر در ۲۰ خرداد قرار گیرد.

قطعاً چنانچه این گروهک بتواند پروژه آشوبگری خود را با موفقیت به انجام برساند در آنصورت توپ در زمین کسانى قرار خواهد گرفت که با استناد به چنین شهرآشوبیهائی فرصت اقناع کاتونهای قدرت در ایران را بر لزوم و وجوب و ضرورت وجود گروه های فشار و برخوردهای چکشی ایشان بمنظور اعاده نظم در کشور را بدست خواهند آورد. طبعاً اکنون یکبار دیگر توپ در زمین نمایندگان راستین جنبش دانشجویی در دفتر تحکیم وحدت است تا همانطور که با دشمنان خارجی خود طی قطعنامه نوزدهم خرداد مرزبندی قابل تحسینی را ترسیم کردند این بار با مدعیان دروغین و مجعول طلایه داری جنبش دانشجویی در داخل کشور نیز تعیین تکلیف نمایند.

داریوش سجادی  
۲۰/خرداد/۸۲  
آمریکا